

قطب‌بندی‌های کاذب را بشکنید



کیانا تصدقی مقدم خبرنگار گروه فرهنگ

شورای راهبری انتخاب وزرای کابینه دولت چهاردهم، تا چند روز آینده لیست پیشنهادی خود را اعلام می‌کند و با نظر نهایی رئیس‌جمهور، مراحل قانونی شدن وزرا و حضورشان در کابینه دولت طی خواهد شد. به طور طبیعی در چنین وضعیتی گمانه‌زنی‌های رسانه‌ها برای

سکانداری هر وزارتخانه مطرح می‌شود و به تبع آن نام‌هایی که سابقه اجرایی و مدیریتی در فرهنگ داشته‌اند هم برای وزارت ارشاد معرفی شده است. اهالی فرهنگ و رسانه در نسبت با هر کدام از این نام‌ها، واکنش‌های متفاوتی داشتند. آنچه از مجموع نظرات هنرمندان و اهالی فرهنگ برداشت می‌شود اینکه شرایط امروز فرهنگی، نیازمند وزیری توانمند و مقتدر است که یا خود نسبت به آنچه در واقعیت امروز فرهنگ در حال رخ دادن است، مطلع باشد یا از مشاوران و مدیرانی

بهره بگیرد که اشرافی دقیق و همه‌جانبه نسبت به احوالات امروز فرهنگ دارند. روزنامه «فرهیختگان» طی دو ماه اخیر، گفت‌وگوهای متعددی را با دغدغه‌مندان مدیریت فرهنگی ایران داشته تا دورنمایی از افق فرهنگ و هنر ایران از منظر کارشناسان این حوزه ارائه دهد. در مجموع گفت‌وگوهای پیش‌رو هم تلاش شده است از تمام صنوف درگیر فرهنگ، هنر و رسانه نماینده‌ای باشد تا پاسخ‌های آنها به دو سوال در قالب یادداشت شفاهی صورت‌بندی شود. سوال اول اینکه

مهم‌ترین مساله امروز فرهنگ و هنر را چه می‌دانند و دیگر اینکه چه پیشنهادهایی برای برون‌رفت از مسائل و برطرف کردن چالش‌های پیش‌رو دارند. با احترام به همه کسانی که در پاسخ به این سوالات همراه ما و مخاطبان بودند، باید این نکته را یادآوری کنیم که با رعایت انصاف تلاش شده است گفتاها و یادداشت‌ها بدون حذف و تعدیل منتشر شود و به طور واضح انتشار آن به معنای تایید کامل نظرات این کارشناسان نیست.



فرهنگ

نگاه سلیقه‌ای به فرهنگ را حذف کنید

اکبر نبوی - پژوهشگر فرهنگی مهم‌ترین چالشی که خانواده فرهنگ و هنر با آن روبه‌رواست مساله قانونمندی در ارتباط با محصولات تولید شده است. یعنی نوع اعمال مدیریت‌ها در بخش‌های مختلف فرهنگی و هنری طی ادوار گذشته با مجموعه‌ای از سلاقی همراه بوده و کمتر با رفتارهای مبتنی بر یک قانون مشخص روبه‌رو بوده‌ایم. درحالی‌که حوزه فرهنگ قوانین خشک حوزه‌های صنعتی بازرگانی را نمی‌طلبد، اما درعین حال یک‌سری چهارچوب در راستای منافع ملی دارد یعنی منطقه فراغت در حوزه فرهنگ به لحاظ قانون باید وسیع‌تر از سایر حوزه‌ها باشد. دومین موضوع که طی سال‌های گذشته تشدید شده و چهره نامطلوبی از خودش نشان می‌دهد مساله معیشت شمار زیادی از خانواده فرهنگ و هنر است. البته این موضوعی نیست که صرفاً گریبان هنرمندان را گرفته باشد و خیلی از هموطنان مان گرفتار این ماجرا هستند. متأسفانه یا منابع مناسبی برای کمک نیست



یا اینکه این منابع مالی جایی که باید، هزینه نمی‌شود. درواقع شمار اندکی از اعضای این خانواده هستند که مشکلی ندارند. ولی اکثریت اعضا شرایط مطلوبی ندارند.

وزیر ارشاد باید شاکله فرهنگی داشته باشد

سومین چالش که مربوط به سال‌های طولانی است، انتخاب مدیران غلط برای این حوزه است. متأسفانه در دولت‌های مختلف اعم از اصلاح‌طلب و اصولگرا فرقی نمی‌کند، انکار پیمان نانوشته بدون هماهنگی میان‌شان جاری است، آن هم اینکه مدیر مناسب انتخاب نکنند. یعنی افرادی که به عنوان مدیران وزرای فرهنگی می‌آیند تعداد اندکی دل‌مشغولی فرهنگی داشتند. کسی که می‌آید مدیریت حوزه فرهنگ را قبول کند باید مساله اول و آخرش فرهنگ و هنر باشد. خودش شیفته و شیدای فرهنگ و هنر باشد و البته قدرت مدیریت هم داشته باشد. اگر مدیر شاکله فرهنگی داشته باشد و مورد اول را می‌تواند برطرف کند و به سمتی می‌رود که مقررات را به سود ارتقای فرهنگ و هنر اصلاح کند.

ایده حکمرانی فرهنگی داشته باشید

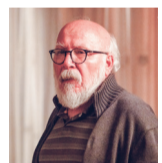
حامد عنقا - تهیه‌کننده ما سال‌هاست دچار این بلا شده‌ایم که فقط درباره شیوه‌های حکمرانی فرهنگی صحبت می‌کنیم، اما بلای بزرگ‌تری که سرمان آمده این است که سال‌هاست در حوزه فرهنگ، فاقد ایده حکمرانی هستیم. سال‌هاست دستگاه فرهنگی ما عم از وزارت ارشاد و رئیس‌جمهور علی‌رغم تعامل با کمیسیون فرهنگی مجلس، فاقد توجه به این موضوع هستند. سال‌هاست وزیر ارشاد را در سطح یک کارمند میانی حوزه فرهنگ نگاه می‌کنیم و امیدوارم به این موضوع توجه شود که چه در حوزه ریاست جمهوری و چه در حوزه وزارت فرهنگ، ایده حکمرانی وجود داشته باشد. وزیر فرهنگ، باید صاحب ایده حکمرانی فرهنگی باشد یعنی نوع نگاهش به حوزه سینما، کتاب، مطبوعات و... متفاوت باشد و به این سبب اولویت اجرایی‌اش را بپذهد. اینکه ما امروز به عنوان یک سری هنرمند یا فعال فرهنگی بگوییم وظیفه وزارت ارشاد چیست و بگوییم برای مثال



سازمان سینمایی بیاید بساط پروانه ساخت را حذف کند، اگر به‌طور کلی در سپهر ایده حکمرانی به‌وجود نیاید، فایده‌ای ندارد. زمان سیف‌الله داد، یک دوره پروانه ساخت حذف شد و برای این به نتیجه نرسید که صاحب این نگاه همگن با امور اجتماعی نبود که اگر من تهیه‌کننده، بدون پروانه ساخت فیلم بسازم چه کسی من را در بستر قضایی ساپورت خواهد کرد. اینکه می‌گویم داشتن ایده حکمرانی فرهنگی اهمیت اول را دارد به همین دلیل است. اگر وزیر ما صاحب ایده حکمرانی فرهنگی باشد آن وقت مدیرانی را انتخاب می‌کند که بتوانند شیوه حکمرانی فرهنگی‌شان را درست پیش ببرند و از این اغتشاش حکمرانی فرهنگی که تقریباً می‌توان گفت نزدیک به ۸ سال است دچار آن هستیم، خارج شویم. اینکه مانع برگزاری کنسرت یک خواننده طراز اول مثل علیرضا قربانی شویم ولی از آن طرف دغدغه این را داشته باشیم که معین خواننده از لس‌آنجلس بیاید و در ایران کنسرت داشته باشد، دقیقاً همان چیزی است که می‌گویم فاقد ایده حکمرانی فرهنگی هستیم.

آفات انحصارطلبی در حوزه فرهنگ را بشناسید

علیرضا داودنژاد - کارگردان درباره اصلی‌ترین چالش‌های اهالی فرهنگ و هنر، بارها به تفصیل عرض کرده‌ام؛ اولین چالش سانسور و دومی ناامنی بازار است. سانسور بین منظومه هنری رسانه‌ای و جریان واقعی و جاری و مبتلا به زندگی فردی و جمعی فاصله می‌اندازد و بدیهی است که با بیرون رفتن زندگی مردم و معضلات و نقاط کور و مبهم آن از آثار هنری و رسانه‌ای کل منظومه هنری رسانه‌ای اینچنینی نیز از زندگی مردم بیرون می‌رود. حاصل سانسور و خارج کردن مسئولان و تصمیم‌گیران و تصمیم‌سازان و عملکرد آنها از نظارت پذیری رسانه‌ای و ممانعت از بازنمایی آنها در آثار هنری چیزی نبوده، نیست و نخواهد بود جز ترویج بیشتر ریاکاری، تظاهر، دروغ، زد و بند، رشوه، اختلاس، باند سازی، پولشویی، نزول، قاچاق، تقلب و دزدی که هرچه بیشتر تبدیل می‌شود به روش‌های جاری موفقیت‌های سریع و رفاه زود هنگام در زندگی اجتماعی و همچنین ظلم و تبعیض و تحقیر و توهین و نفی و طرد و منزوی‌سازی و حصر و حبس و ضرب و شتم و شکنجه و قتل و جنایت را هرچه گسترده‌تر تبدیل می‌کند به روش‌های کاربردی و سریع و موثر ریز و درشت و گوناگون در مدیریت‌های اجتماعی و اداری و سازمانی...



ناامنی بازار معضل اصلی هنرمندان

امروزه دیگر بر همگان عیان است که دوران متن مکتوب و مسکوت گوتنبرگی در حال زوال است و متن مصور و مصوت دیجیتال در حال جایگزینی آن است؛ به این ترتیب و با توجه به گستردگی دسترسی مردم به موبایل و انواع مانیتورهای ریز و درشت اگر فرض کنیم ۵۰ میلیون کاربر هرکدام لاقال در روز یک ساعت مصرف‌کننده محتوای این وسایل هستند، نتیجه می‌گیریم روزانه ۵۰ میلیون ساعت محتوای دیداری شنیداری توسط جامعه مصرف می‌شود؛ حال سوال اینجاست که چند میلیون ساعت از این محتوای مصرفی توسط تولیدکنندگان داخلی تولید می‌شود و چند ساعت آن محصول فعالیت تولیدکنندگان خارجی است؟ پاسخ فاجعه‌بار است. جالب توجه است که ما در حالی‌که می‌کوشیم آمریکا و غرب و نیروهای خارجی راز مرزهای مملکت و منطقه جغرافیای سیاسی خود دور کنیم، دانسته و نادانسته و با جان و دل می‌کوشیم راه ورود و نفوذ و استقرار آنها را در خانه‌های خود هموار کنیم و گوش و هوش و چشم و دل نسل‌های کودک و پیر و جوان خود را در اختیار آثار اروپایی و آمریکایی و کورهای و هندی و ترکی قرار بدهیم و با تضعیف و در واقع سرکوب «دانیایی سینمایی» موجود در کشور که در واقع اصلی‌ترین نرم‌افزار ایجاد باورپذیری در آثار هنری و رسانه‌ای دیداری شنیداری است زمینه‌ساز هرچه بیشتر تاراج مخاطبان بازارهای رسمی دیداری شنیداری

و تسلیم آنها به بازارهای سیاه امواج وارداتی باشیم، پرس و جویی ساده از اصناف سینمایی و خیر گرفتن از تعداد اعضای آنها و اعضای از آنها که به کار تولید مشغول هستند به سادگی عمق فاجعه‌ای را که در حال وقوع است و فاصله واقعیت را با آنچه در بوق و کرناها اعلام می‌شود، معلوم می‌کند. ماه‌های به‌کارگیری روش‌های سنجیده و کاربردی و علمی برای بازارسازی و جلب ده‌ها میلیون مخاطب بالقوه آثار دیداری شنیداری به تولیدات داخلی، در حال نفی و طرد و انکار «دانیایی سینمایی» و منزوی کردن نیروهای کارآمد و بدنام هنرمندان و خانه‌نشین کردن نیروهای زنده و ترویج هرچه بیشتر ناامنی و تسلیم فزاینده فضای کالاهای فرهنگی به بازارهای سیاه امواج وارداتی هستیم.

چرا مدیران خوب قبل از اتمام مدیریت‌شان سرتگون شدند؟

قبل از وزیر ارشاد، رئیس‌جمهور باید برای این سوال جواب پیدا کند که مثلاً چرا مدیران دلسوز و کارآمدی مثل سیف‌الله داد و حجت‌الله ایوبی قبل از به پایان رساندن دوره چهارساله مسئولیت خود در سازمان سینمایی سرتگون شدند؟ آنچه لازم است رئیس‌جمهور و وزیر مربوطه به آن توجه کنند مساله مهم تفاوت «مدیریت نیروی انسانی خلاق» با انواع دیگر مدیریت مثل مدیریت یک کارخانه است. مثلاً مدیریت تولید وسایل

خانگی با انواع معینی از تخصص و مهارت و تولید انواع مشخصی از کالا مثل یخچال و اجاق گاز و ماشین رختشویی با کار ویژه‌هایی تعریف شده سروکار دارد؛ اما «مدیریت نیروی انسانی خلاق» که مثال بارز آن تهیه‌کننده و کارگردان سینماست که هر بار باید بتواند بر حسب فیلمنامه جدیدی که کار می‌کند طیف متفاوتی از سرمایه‌گذار و مجری طرح و مدیرتولید و فیلمبردار و نورپرداز و صدابردار و طراح صحنه و لباس و چهره‌پرداز و بازیگر و تدوینگر و موسیقیدان و صداگذار و رنگ‌پرداز و... را انتخاب و استخدام و مدیریت کند و آنها را برای تولید یک محصول ویژه گرد هم بیاورد و از به‌کارگیری ذوق و تخصص و خلاقیت هرکدام فیلمی نو و تازه بسازد تا بعد از آن برای معرفی و تبلیغ و پخش آن در سینماها و فضای ناامن نمایش خانگی و شبکه‌های مجازی دست به کار شود. برای رئیس‌جمهور و وزیر ارشاد که باید معاونت هنری و سینمایی تعیین و معرفی کنند قبل از هر چیز لازم است تا به موضوع تفاوت «مدیریت نیروی انسانی خلاق» با انواع دیگر مدیریت توجه داشته باشند و با مطالعه سوابق این پست‌ها با آفات انحصارطلبی و باند بازی در حوزه هنر و فرهنگ آشنا بشوند و از ابتدای چندباره امور فرهنگی و هنری و سینمایی به این بلا یا جلوگیری کنند؛ این آیین‌رویه‌هایی محال است و آنچه واقعیت پیدا می‌کند کماکان همان کابوسی است که شرحش رفت؟ ترجیح می‌دهم این تمه عمر را همچنان با امید به فردا بنگرم!

موانع بروز خلاقیت و نوآوری را از بین ببرید

محمود گیرو - منتقد سینما اهالی فرهنگ و هنر در دوره‌های گذشته وزارت ارشاد، شاهد رویکردهای مختلفی بودند. دریک دوره مورد توجه و حمایت قرار گرفتند و در مقاطعی که به نظر من بیشتر بوده، جنبه تزئینی داشتند و نگاه عمیقی از سوی وزیر فرهنگ نسبت به هدایت و حمایت و پشتیبانی اهالی فرهنگ و هنر وجود نداشته است. انتظار داریم وزیر آینده وزارت فرهنگ و ارشاد، حمایت جدی خودش را از اهالی فرهنگ و هنر به‌طور اصولی مطرح کند و موانع سر راه برای بروز خلاقیت و نوآوری در عرصه فرهنگ و هنر را از بین ببرد. طبیعتاً چالش‌های زیادی سر راه وزیر ارشاد آینده است به این دلیل که در دوره‌های گذشته آسیب‌های جدی به این حوزه وارد شده و واقعیت این است اهالی فرهنگ و هنر یک مقدار دلخورد و خسته هستند و



امیدوی به آینده ندارند. آنها احساس می‌کنند هیچ‌وقت مورد توجه جدی قرار نگرفتند در صورتی‌که واقعیت جامعه این‌گونه است که هنرمندان می‌توانند برای گسترش فرهنگ و هنر یک جامعه، فعالیت و جدیت داشته باشند اما هیچ‌وقت احساس امنیت و آرامش نکوند و همیشه با عناوینی مثل حذف و سانسور و توقیف و ممنوعیت روبه‌رو بودند و هیچ‌وقت با جملات محبت‌آمیز و تشویق‌آمیز روبه‌رو نبودند و به همین دلیل خیلی خوش‌بین به آینده نیستند. وزارت فرهنگ بنا شده برای اینکه فرهنگ انقلاب اسلامی را گسترش دهد اما وزارتخانه‌ای که نتواند اکثریت بخش هنری را در خود جمع کند تا اینها احساس امنیت و آرامش کنند، طبیعتاً باعث می‌شود تا تولیدات هنری هم از محتوای غنی تهی شود و آسیب جدی به فرهنگ و هنر این سرزمین وارد شود. فکر می‌کنم مهم‌ترین کار وزیر این است در وهله اول عملکرد گذشته را آسیب‌شناسی کند و بعد دست به عمل بزند.

هنرمندان را از بلاتکلیفی نجات دهید

مهدی فخیم‌زاده - بازیگر در یکی دو سال اخیر بیشترین مشکلی که فرهنگ و هنر داشته است مربوط به بلاتکلیفی مسئولان بوده و همچنان هم هست. معلوم نیست سیاست میان‌مدت یا بلندمدت برای سینما داشتند یا خیر. امیدوارم مسئول جدیدی که انتخاب می‌شود، راه‌حلی برای این بلاتکلیفی پیدا کند تا ما را هم از بلاتکلیفی درآورد. اینکه ما به صورت مستقیم با وزیر ارشاد تعامل داشته باشیم اصلاً چیز مشهودی نیست. سال‌ها ما در این زمینه کار کردیم و در خیلی از دوره‌ها حتی یک جلسه با وزیر ارشاد نداشتیم. کار وزیر ارشاد نظرات است و دادن راهکارهایی برای حل مشکلات هنرمندان. در واقع ارتباط ما باید با زده‌های پایین‌تر از وزیر باشد

